

تحلیل آماری درس زبان و ادبیات فارسی در آزمون سراسری^۱

* مریم دانشگر

E-mail: daneshgar@ut.ac.ir

** سهیلا عابدینی

E-mail: soheilaabedini@gmail.com

*** ندا محمدی

E-mail: n.mohammadi.24@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

مطالعه حاضر، وضعیت زبان و ادب فارسی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی بررسی می‌کند. داده‌های مقاله، نتایج آزمون سراسری در سه سال اخیر است که رسماً از سازمان سنجش کشور دریافت شده و به روش تحلیل محتوا مبتنی بر آمار و ارقام ارائه شده، مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق، منطبق بر نمونه آماری و معادل کل پذیرفته‌شدگان سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲، برابر ۱/۷۱۹/۴۵۷ نفر است. سؤال پژوهش، بررسی ارتباط دانش زبانی و ادبی پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری با گروه و رشته قبولی و همچنین تأثیر این انتخاب بر هویت ملی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد میان این دو متغیر رابطه معکوس وجود دارد؛ و به طور معمول داوطلبانی با توانایی بالا، رشته‌هایی را انتخاب کرده‌اند که کمترین ارتباط را با زبان و ادبیات فارسی داشته است و برعکس. بنابراین در طی سال‌های متمادی، چرخه معیوبی شکل گرفته است که تأثیر منفی آن در آینده زبان فارسی به ضعف بنیان‌های هویتی ملی - زبانی خواهد انجامید و این امر نیاز به توجه جدی در برنامه‌ریزی‌های ملی دارد.

کلید واژه‌ها: زبان فارسی، ادبیات فارسی، آزمون سراسری، هویت ملی، هویت زبانی.

۱. داده‌های این مقاله برگرفته از پژوهشی است که نویسندگان در سال ۱۳۹۲ در فرهنگستان زبان و ادب فارسی با عنوان «تحلیل آماری نمره‌های درس زبان و ادبیات فارسی در آزمون سراسری سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲» انجام داده‌اند. * استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نویسنده مسئول ** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور *** دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی تهران

طرح مسأله

کاهش سطح سواد زبانی و ادبی دانش‌آموختگان کشور که به‌ویژه هنگام خروج دانش‌آموزان از نظام آموزش و پرورش و ورود به دانشگاه به‌عنوان دانشجوی، از سوی معلمان و استادان طرح می‌شود، به سبب نقش هویتی زبان و ادبیات فارسی، و تأثیر همه‌جانبه آن بر بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی جامعه ایران، یک مسئله ملی محسوب می‌شود.

هر چند توجه به رشد مهارت‌های زبانی دانشجویان، برای همه رشته‌ها قابل طرح است و باید یک وظیفه همگانی به‌شمار آید اما باور عمومی این است که کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌ها، مسئول ارتقای سواد و مهارت‌های زبانی و ادبی هستند و ضعف و کاستی‌های موجود در مهارت‌های زبانی به‌ویژه مهارت‌های خواندن و نوشتن، برخاسته از ناتوانی این بخش از ساختار آموزشی است. به این ترتیب با وجود این‌که متون نوشتاری متنوع در سایر رشته‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، نقش غیرمستقیم ولی بسیار مؤثری در وضعیت سواد دانش‌آموزان و دانشجویان دارند، اما عموماً رشته زبان و ادبیات فارسی و دبیران و معلمان این درس هدف همه انتقادات و آماج این حمله‌ها قرار می‌گیرند. در هر حال باور مشترک همگان این است که ریشه این کاستی به‌عنوان یک مشکل آموزشی، در آموزش‌های دوره ابتدایی و متوسطه قابل بازیابی است.

از سوی دیگر تأمین معلمان ادبیات در همه سطوح - از پایه تا عالی - معمولاً به عهده دانشگاه‌های کشور است و چون پذیرش رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و دیگر رشته‌های نزدیک به آن شرایط خاصی ندارد، هر کسی می‌تواند برحسب علاقه یا توانایی‌هایی که در خود می‌بیند به تحصیل در این رشته بپردازد. اما بررسی نمره‌های ادبیات پذیرفته‌شدگان کنکور نشان می‌دهد که جز در موارد نادر، سایر پذیرفته‌شدگان از سرناچاری به این رشته روی آورده‌اند و علاقه یا توانایی، ملاک انتخاب آنان نبوده است. داوطلبی که میانگین نمره درس زبان و ادبیات فارسی‌اش در آزمون سراسری کمتر از ۱۰ درصد است (آمار ارسالی ۳) (۱) و در رشته زبان و ادبیات فارسی و یا آموزش و پرورش ابتدایی پذیرفته شده مطمئناً به دلیل توانایی‌های زبانی و ادبی خود یا علاقه به زبان فارسی، به چنین انتخابی دست نزده است.

از سوی دیگر بیشتر داوطلبان پس از طی دوره کاردانی یا کارشناسی تمایل به ادامه تحصیل دارند، پس این احتمال وجود دارد دانشجویی که در درس ادبیات آزمون سراسری، موفق به پاسخ درست به یک سؤال نشده و اکنون مشغول تحصیل در رشته

آموزش زبان و ادبیات فارسی است، در سال‌های آینده موفق شود درجات بالاتر تحصیلی کسب کند. این مسیر به‌طور معمول، به تدریس در مدارس و یا استادی دانشگاه در یکی از مراکز دانشگاهی خواهد انجامید. ورود این افراد به چرخه آموزش حرکت نزولی رشته زبان و ادبیات فارسی را سرعت خواهد بخشید و از آنجایی که مستقیماً با رشد مهارت‌های زبانی و ادبی کودکان، نوجوانان و جوانان مرتبط می‌شود، آسیب آن علاوه بر علوم انسانی و زبان فارسی، تمامی تخصص‌ها را در بر خواهد گرفت. به همین سبب امروزه مسأله فقر زبان فارسی، چالشی ملی محسوب می‌شود و رفع کاستی‌های آن عزمی جدی و فراگیر می‌طلبد.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- چه ارتباطی میان سواد زبانی و ادبی پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری با گروه و رشته قبولی آنها به‌ویژه در رشته‌های مرتبط با آموزش زبان و ادبیات فارسی وجود دارد؟
- ۲- هویت ملی چگونه تحت تأثیر این ارتباط قرار می‌گیرد؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- میان سواد زبانی و ادبی پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری با گروه و رشته قبولی آنها به‌ویژه در رشته‌های مرتبط با آموزش زبان و ادبیات فارسی ارتباطی نادرست ایجاد شده است و نمره کسب شده در این درس تأثیری در انتخاب رشته‌های مرتبط با زبان فارسی و آموزش آن ندارد.
- ۲- از آنجا که میان هویت زبانی و هویت ملی، ارتباط بارز و آشکاری وجود دارد، بی‌توجهی به ضعف زبانی پذیرفته‌شدگانی که در آینده زبان فارسی و احتمالاً آموزش آن در کشور دخیل هستند، نقش منفی در هویت ملی ایرانیان دارد.

پیشینه تحقیق

با توجه به این که در پژوهش‌های حوزه ادبیات، خلاف مباحث مربوط به سنجش و آزمون‌گیری، شیوه تحلیل آماری به کار نمی‌رود، جست‌وجو در مقالات، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های موجود، نتیجه‌ای دربرنداشت و پژوهشی که بتوان آن را پیشینه این مقاله به‌شمار آورد یافت نشد. در مجموع پژوهش‌های پیشین دو دسته‌اند؛ یک دسته آنهایی که صرفاً به مقوله «کنکور»، از جنبه‌های مختلف، می‌پردازد و دسته دیگر

که آسیب‌شناسی «زبان‌وادیات فارسی» را پی می‌گیرد. تلفیق و ترکیب «زبان و ادبیات فارسی در کنکور» به شیوه تحلیل آماری که این مقاله به آن می‌پردازد، سابقه‌ای ندارد.

تبیین مفاهیم

۱- **آزمون سراسری:** در ایران به آزمونی اطلاق می‌شود که سازمان سنجش آموزش کشور، تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برای سنجش داوطلبان ورود به دانشگاه‌های دولتی - و اخیراً دانشگاه آزاد اسلامی - در پنج گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و زبان برگزار می‌کند. این مطالعه به آزمون سراسری به‌عنوان یک آزمون استاندارد و معتبر توجه کرده و بدون تشکیک در اعتبار علمی آن، به بررسی نتایج حاصل پرداخته است.

تاریخچه آزمون سراسری به سال ۱۳۴۷ برمی‌گردد. اولین کنکور ایران در سال ۱۳۴۸ برگزار شد و ۴۷۷۰۳ نفر داوطلب در آن شرکت کردند. در سال ۱۳۵۴ سازمان سنجش آموزش کشور تشکیل شد و جز سال‌های ۵۹ تا ۶۱ که دانشگاه‌ها به دلیل انقلاب فرهنگی تعطیل بود، هر ساله آزمون سراسری برگزار شده است (با استفاده از: سازمان سنجش، ۹۲/۹/۱۸؛ توکلی، ۹۲/۹/۱۸).

در سال ۱۳۹۲ تعداد شرکت‌کنندگان آزمون کنکور به یک میلیون و ۳۳ هزار و ۷۲۸ نفر رسید (آمار ارسالی ۲) در حالی که جمعیت شرکت‌کننده در نخستین آزمون سراسری، حدود ۴۷ هزار و ۷۰۳ نفر بوده است. این انفجار آماری - که نرخ رشد ۶۸ درصدی شرکت‌کنندگان آزمون را نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۴۸ نشان می‌دهد - از میزان علاقه‌مندی جمعیت جوان و جامعه ایرانی نسبت به موضوع حکایت می‌کند و بر اهمیت توجه به آن می‌افزاید.

رشته زبان و ادبیات فارسی از نخستین رشته‌هایی بود که تدریس آن در مراکز آموزش عالی، نخست در دارالمعلمین و سپس با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز شد. اکنون برنامه آموزشی مصوب وزارت علوم و فناوری در سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی اجرا می‌شود. به دلایل مختلف معمولاً رشته زبان و ادبیات فارسی، اولین رشته‌ای است که در هر دانشگاه راه‌اندازی می‌شود به همین سبب یکی از فراگیرترین رشته‌های دانشگاهی در سراسر کشور به‌شمار می‌آید.

۲- **میانگین نمره:** میانگین یا معدل، حاصل جمع همه نمرات بخش بر تعداد آنهاست.

منظور این مقاله از نمره میانگین، که تمامی مطالعات انجام شده براساس آن شکل گرفته، «میانگین نمره درس زبان فارسی عمومی و ادبیات فارسی تخصصی پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری» سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ است که سازمان سنجش رسماً به فرهنگستان زبان و ادب فارسی اعلام کرده است (آمار ارسالی ۱، ۲، ۳). داده‌های حاصل، می‌توانسته دامنه‌ای بین ۳۳- تا ۱۰۰+ را به خود اختصاص دهد.

۳- هویت ملی، هویت زبانی: هویت مفهومی پیچیده است و به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. در بعد فردی، هویت شامل ویژگی‌هایی است که فرد را از دیگران متمایز می‌کند و در بعد اجتماعی، جایگاه فرد در جامعه و در میان گروه‌های اجتماعی متنوع را شامل می‌شود. هویت ملی یکی از انواع هویت‌های اجتماعی است و یکی از عوامل اصلی پایداری نظام‌های سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین هرگونه تزلزل، تجزیه و تضعیف آن موجب بی‌ثباتی اجتماعی می‌شود. اعتقاد و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی یکی از مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱ و ۱۲ و ۲۰) مهم‌ترین نهاد مؤثر در تحکیم هویت ملی به‌عنوان مقوله مهم و اساسی، در تمامی کشورها نهاد آموزش و پرورش است. نقش آموزش و پرورش در شکل‌دهی به هویت ملی، نقشی بی‌بدیل است که معمولاً از طریق کتاب‌های درسی به مخاطبان منتقل می‌شود. بررسی‌های انجام شده برای میزان موفقیت یا عدم موفقیت در ارائه این نقش، نتایج متناقضی را نشان می‌دهد اما فارغ از نوع کارکرد، همگان بر اهمیت و تأثیر آن اتفاق نظر دارند (ن.ک: صالحی عمران، ۱۳۹۲: ۴۷؛ خدایار، ۱۳۸۷: ۲۸ و ۵۰ و ۵۱).

داوری اردکانی (۱۳۸۶) معتقد است که زبان فارسی در میان مؤلفه‌های مختلف هویت ملی ایرانی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هم‌چنین با افزایش سن و تحصیلات افراد، زبان فارسی جایگاه مهم‌تری را در میان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت احراز می‌کند. به همین دلیل سزاوار است که برنامه‌ریزان زبان فارسی توجه ویژه‌ای به برنامه‌ریزی شأن زبان فارسی در کنار پیکره آن داشته باشند.

سیدحسین نصر، شأنی دوگانه برای زبان فارسی قائل است و معتقد است: «در بین زبان‌هایی که در طول تاریخ محمل جهان‌بینی فرهنگ ما بوده است فارسی از همه مهم‌تر و از مقام خاصی برخوردار است و حتی در قرون گذشته زبان ادبی برای بسیاری از افرادی که زبان مادری‌شان غیر از فارسی بوده، به شمار می‌آمده است... برای حفظ ایران و فرهنگ آن باید اهمیت زبان فارسی به‌عنوان هم، زبان فکری و علمی و هم،

زبان مشترک بین اقوامی که سرزمین فعلی ایران را دربرمی گیرند و از هر حیث ایرانی هستند تأیید شود» (به نقل از سرفراز، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

از طرف دیگر براساس نظریه هویت اجتماعی تاجفل، هویت اجتماعی دارای سه بُعد شناختی، ارزشی و احساسی است. بُعد شناختی به میزان آگاهی شهروندان درباره تعلق و ارتباطشان نسبت به سرزمین برمی گردد. بُعد ارزشی شامل پیامدهای ارزشی مثبتی است که فرد درباره تعلقش به یک سرزمین خاص قائل است. بعد احساسی به عواطف و احساسات شهروندان نسبت به سرزمین مادری شان و دیگر هموطنانش مربوط می شود (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۵۳ و ۵۷). دانش شهروندان ایرانی نسبت به اهمیت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در زندگی شان، بُعد شناختی هویت ملی آنها را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، از آنجا که زبان و ادبیات فارسی یکی از ارکان هویت ملی ایرانی ها را دربرمی گیرد میزان شناختی که شهروندان نسبت به زبان و ادبیات فارسی دارند نشانگر جایگاه و نقش واقعی این مؤلفه در ایجاد هویت ملی ایرانی هاست. میزان آگاهی افراد از آثار منثور و منظوم فارسی نظیر گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ و مثنوی مولوی از جمله اجزای بعد شناختی هویت ملی ایرانی هاست.

بُعد ارزشی هویت ملی در ارتباط با زبان و ادبیات فارسی شامل احساس افتخار به میراث ادبی ایران است و کاربرد شعرها و متن های منثور پندآموز فارسی در زندگی روزمره بیانگر میزان ارزشی است که فرد برای این گونه آثار قائل است.

علاوه بر این جهت گیری عاطفی مردم ایران نسبت به زبان و ادبیات فارسی بیانگر جایگاه زبان و ادبیات فارسی در هویت ملی آنهاست. شخصی که به زبان و ادبیات فارسی تعلق خاطر داشته باشد در تعریف هویت ملی خود جایگاهی رفیع برای میراث ادبی قائل است و کسی هم که به میراث ادبی ایران بی توجه باشد در تعریف هویت ملی خود اهمیتی به این مقوله نمی دهد.

۴- زبان و ادبیات فارسی: آنچه در این مقاله از لفظ زبان و ادبیات اراده می شود، دانسته ها و قاعده های زبانی و ادبی است که در دوره تحصیل آموخته می شود. مجموعه دانش های زبانی و ادبی داوطلبان کنکور، در دو مرحله سنجیده می شود:

۱- مرحله اول در آزمون عمومی برای کلیه داوطلبان شاخه های پنج گانه به عنوان یکی از ۴ ماده درسی، با ۲۵ سؤال.

۲- مرحله دوم در آزمون اختصاصی گروه علوم انسانی به عنوان یکی از ۱۰ ماده درسی، با ۳۰ سؤال (دفترچه شماره ۱ سازمان سنجش، ۱۳۹۲: ۹ و ۱۱).

براساس اعلام سازمان سنجش، سؤالات آزمون براساس کتاب‌های درسی طراحی می‌شود و مطالعه آنها برای موفقیت در کنکور کفایت می‌کند.

تحلیل نمرات درس زبان و ادبیات فارسی در آزمون سراسری ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲

۱- نقد و تحلیل نمرات زبان و ادبیات فارسی (عمومی)

برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، میانگین نمره درس زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری در گروه‌های آزمایشی پنج‌گانه علوم ریاضی، تجربی، انسانی، هنر و زبان در سال‌های ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ بررسی می‌شود.

۱-۱- بهترین و بدترین نمره‌های زبان و ادبیات فارسی (عمومی) در کنکور سراسری

در جدول شماره ۱، تعداد رشته‌های دانشگاهی موجود در هر گروه آزمایشی، به همراه بالاترین و پایین‌ترین میانگین نمره کسب شده زبان و ادبیات فارسی در همان رشته ثبت شده است.

جدول شماره ۱: بهترین و بدترین میانگین نمره‌های کسب شده زبان و ادبیات فارسی (عمومی)

زبان	هنر	انسانی	تجربی	ریاضی		
۱۵	۲۱	۹۱	۱۲۱	۱۱۸	تعداد رشته‌های هر گروه	سال ۹۰
۵۰/۷	۴۵/۶	۴۵/۷	۵۰/۷	۴۹/۴	بالاترین میانگین نمره ادبیات	
۹/۵	۵/۸	-۲/۲	۳/۱	۸/۶	پایین‌ترین میانگین نمره ادبیات	
۱۷	۲۰	۹۸	۱۲۸	۱۲۶	تعداد رشته‌های هر گروه	سال ۹۱
۴۹/۵	۲۹/۰	۴۲/۵	۵۶/۰	۴۴/۰	بالاترین میانگین نمره ادبیات	
۷/۱	۴/۲	-۱/۴	۸/۵	۸/۰	پایین‌ترین میانگین نمره ادبیات	
۱۸	۲۸	۱۰۰	۱۲۸	۱۳۰	تعداد رشته‌های هر گروه	سال ۹۲
۴۶/۳۳	۲۴/۲۱	۴۴/۰۲	۷۳/۱۳	۸۰/۳۰	بالاترین میانگین نمره ادبیات	
-۰/۴۰	۲/۹۳	-۱۲/۱۷	-۲۳/۴۱	-۸/۸۲	پایین‌ترین میانگین نمره ادبیات	

چنان‌که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۹۰ بالاترین درصد میانگین نمره زبان و ادبیات فارسی مربوط به گروه‌های تجربی، زبان و سپس ریاضی بوده است. با توجه به این‌که زبان و ادبیات فارسی برای دو گروه آزمایشی علوم انسانی و هنر، یکی از مرتبط‌ترین و مهم‌ترین مواد آموزشی است، مشاهده می‌شود پایین‌ترین میانگین به گروه‌های انسانی و هنر متعلق است. همین نتیجه با تفاوت‌های جزئی در دو سال بعد نیز تکرار شده است.

هم‌چنین مقایسه دوسال ۹۰ و ۹۱ نشان می‌دهد نمره درس زبان فارسی که به‌ویژه در گروه هنر با افت شدیدی همراه بوده، در همه گروه‌ها جز در گروه آزمایشی تجربی، سیر نزولی داشته است. به نظر می‌رسد عامل اصلی و مؤثر در این افزایش، رقابت شدید برای ورود به رشته پزشکی در گروه تجربی، بوده و این رقابت سبب شده است که نمره‌های درس ادبیات سیر صعودی یابد. چنان‌که با ورود رشته دکترای پیوسته بیوتکنولوژی در گروه ریاضی در سال ۱۳۹۲ و ایجاد رقابت فشرده در این سال، شاهد افزایش سریع و ناگهانی میانگین نمره ادبیات این گروه آزمایشی از ۴۴ درصد در سال قبل، به ۸۰/۳۰ درصد بوده‌ایم (آمار ارسالی ۱ و ۳؛ نیز ن.ک: جدول شماره ۱).

میانگین نمره زبان و ادبیات فارسی بالاترین رتبه‌های گروه آزمایشی هنر در سال ۱۳۹۲ مربوط به رشته سینما و معادل ۲۴ درصد بوده است (آمار ارسالی ۳). میانگین فوق نشان می‌دهد پذیرفته‌شدگان گروه آزمایشی هنر، فقط با پاسخ درست به حدود ۶ سؤال چهارگزینه‌ای در درس ادبیات، در رشته مورد نظر خود پذیرفته شده‌اند.

وضعیت پایین‌ترین رتبه‌ها در جدول نیاز به توضیح ندارد، اما در مقایسه، میانگین منفی گروه علوم انسانی که در هر سه سال اتفاق افتاده از ضعف عمومی دانش ادبی پذیرفته‌شدگان این گروه حکایت می‌کند.

۱-۲- ارتباط میانگین نمره‌های کسب‌شده زبان و ادبیات فارسی با رشته‌های دانشگاهی در هر گروه آزمایشی

در جدول شماره ۲ به بررسی ارتباط بین نمرات ادبیات کسب‌شده و رشته‌های منتخب داوطلبان پرداخته‌ایم. پذیرفته‌شدگان کنکور برحسب نمره درس زبان و ادبیات فارسی به هفت گروه تقسیم شده‌اند. عدد درج شده ذیل هر دسته، تعداد رشته‌های دانشگاهی‌ای است که میانگین نمره زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان به آن دسته (دهک نمره) متعلق بوده است.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین نمره فارسی عمومی در پنج گروه آزمایشی براساس تعداد رشته‌های پذیرفته‌شده در هر گروه از ۱۳۹۰-۱۳۹۲

گروه آزمایشی	تعداد رشته‌های پذیرفته شده در هر دهک نمره							تعداد رشته‌های پذیرفته شده
	نمره زیر صفر	نمره ۱ تا ۱۰	نمره ۱۱ تا ۲۰	نمره ۲۱ تا ۳۰	نمره ۳۱ تا ۴۰	نمره ۴۱ تا ۵۰	نمره بالای ۵۱	
سال ۹۰	۰	۶	۴۴	۳۸	۲۲	۸	۰	۱۱۸
سال ۹۱	۰	۵	۵۸	۳۹	۲۰	۴	۰	۱۲۶
سال ۹۲	۲	۲۹	۳۶	۳۳	۲۰	۷	۳	۱۳۰

تجربی	سال ۹۰	۰	۱۶	۳۸	۲۹	۲۷	۱۱	۰	۱۲۱
	سال ۹۱	۰	۴	۴۷	۳۲	۲۵	۱۶	۴	۱۲۸
سال ۹۲	۲	۳۴	۳۰	۲۶	۱۸	۱۵	۳	۱۲۸	
انسانی	سال ۹۰	۱	۴۵	۲۶	۱۳	۳	۳	۹۱	
	سال ۹۱	۲	۵۴	۲۷	۱۱	۲	۲	۹۸	
	سال ۹۲	۷	۴۷	۳۱	۹	۴	۲	۱۰۰	
۴	سال ۹۰	۰	۵	۸	۷	۰	۱	۲۱	
	سال ۹۱	۰	۸	۸	۴	۰	۰	۲۰	
	سال ۹۲	۰	۱۴	۱۰	۴	۰	۰	۲۸	
زبان	سال ۹۰	۰	۱	۲	۴	۳	۵	۱۵	
	سال ۹۱	۰	۳	۴	۳	۴	۳	۱۷	
	سال ۹۲	۱	۵	۳	۴	۴	۱	۱۸	
رشته طغداد	سال ۹۰	۳۶۶							۱۱۵۹
	سال ۹۱	۳۸۹							
	سال ۹۲	۴۰۴							

در سه سال پیاپی (۹۰ و ۹۱ و ۹۲) که جمعاً ۱۱۵۹ رشته در پنج گروه آزمایشی - به تفکیک ۳۶۶ و ۳۸۹ و ۴۰۴ رشته - پذیرش شده است، تنها میانگین نمره زبان و ادبیات فارسی (عمومی) ده رشته - مربوط به دو گروه آزمایشی ریاضی و تجربی - بالای ۵۱ درصد است. این ده رشته که پذیرفته شدگان آن بالاترین امتیاز را در درس زبان و ادبیات فارسی (عمومی) به دست آورده‌اند عبارت‌اند از:

در گروه علوم ریاضی: مدیریت بیمه اکو (۵۱/۹۶)، مهندسی خطوط سازه‌های ریلی (۵۲/۶۴)، دکترای پیوسته بیوتکنولوژی (۸۰/۳۰).

در گروه علوم تجربی: فلسفه و عرفان (۵۲/۰)، داروسازی (۵۲/۲)، دندانپزشکی (۵۵/۴)، پزشکی (۵۶/۰)، پزشکی دکترای حرفه‌ای (۵۴/۴۳)، دندانپزشکی دکترای حرفه‌ای (۵۲/۶۷)، دکترای پیوسته بیوتکنولوژی (۷۳/۱۳).

در بررسی پایین‌ترین امتیازها، میانگین ۱۵ رشته از درس زبان و ادبیات فارسی عمومی، منفی بوده است یعنی تعداد پاسخ‌های غلط پذیرفته شدگان این رشته‌ها به سؤال‌های درس زبان و ادبیات فارسی بیشتر از پاسخ‌های صحیح بوده است بنابراین اگر آنان به هیچ سؤالی پاسخ نمی‌دادند امتیاز بهتری کسب می‌کردند. از این مجموعه، ۱۰ رشته به گروه علوم آزمایشی انسانی تعلق دارد. نام این رشته‌ها و میانگین هریک را در

ادامه می‌خوانیم:

در گروه علوم انسانی: کاردانی علمی کاربردی خدمات پرواز (۲/۲-)، کاردانی علمی کاربردی اشتغال (۰/۴-)، کاردانی علمی کاربردی روابط کار (۱/۴-)، شیعه‌شناسی (۱۲/۱۷-)، علوم حدیث (۲/۰۸-)، علوم و معارف قرآن (۰/۹۸-)، کاردانی باستان‌شناسی (۰/۲۴-)، کاردانی علمی کاربردی اشتغال (۲/۶۰-)، معارف اسلامی و علوم تربیتی (۷/۶۴-)، معارف قرآن مجید (۰/۶۱-);

در گروه علوم ریاضی: معارف اسلامی (۸/۸۲-)، علوم قرآن و حدیث (۱/۹۸-);

در گروه علوم تجربی: معارف اسلامی (۰/۵۳-)، کاردانی تکنولوژی شیلات (۲۳/۴۱-);

در گروه زبان‌های خارجی: کاردانی مترجمی زبان انگلیسی (۰/۴۰-).

هم‌چنین جایگاه نازل این درس در دوگروه آزمایشی علوم انسانی و هنر کاملاً مشهود و به این معنی است که ضعیف‌ترین دانش‌آموختگان در درس زبان و ادبیات فارسی جذب رشته‌های گروه آزمایشی علوم انسانی و هنر می‌شوند.

۲- نقد و تحلیل نمرات زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)

در ادامه، میانگین نمره اختصاصی درس زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری را در گروه آزمایشی علوم انسانی در سال‌های ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ پی‌می‌گیریم تا ارتباط نمره‌های گروه علوم انسانی با رشته‌های انتخابی ایشان معلوم شود.

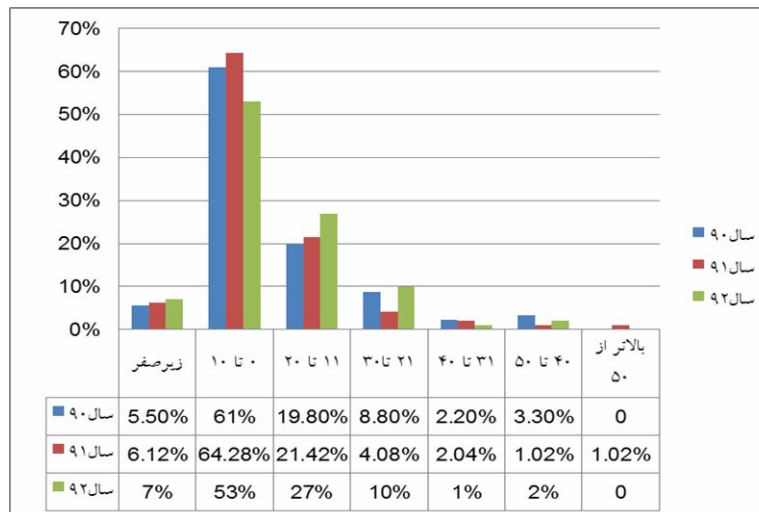
۲-۱- ارتباط میان نمره‌های ادبیات تخصصی و رشته‌های دانشگاهی منتخب

در جدول شماره ۳ به بررسی ارتباط بین نمره‌های ادبیات تخصصی کسب شده و رشته‌های منتخب داوطلبان پرداخته‌ایم. در این جدول نیز پذیرفته‌شدگان کنکور برحسب نمره درس زبان و ادبیات فارسی در هفت دسته تقسیم‌بندی شده‌اند. عدد درج شده ذیل هر دسته، تعداد رشته دانشگاهی‌ای است که میانگین نمره زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان به آن دسته (دهک نمره) متعلق بوده است. نام تمامی رشته‌هایی که در هر گروه جای گرفته‌اند مشخص است، اما با توجه به نیاز این مقاله، فقط رشته‌هایی که پایین‌ترین و بالاترین نمرات را به خود اختصاص داده‌اند ثبت شده و در سایر دسته‌های میانگین، اطلاعات مربوط جز برای رشته زبان و ادبیات فارسی و دیگر رشته‌های مرتبط، حذف شده است.

جدول شماره ۳: میانگین فارسی اختصاصی در گروه آزمایشی علوم انسانی
(برحسب تعداد رشته) ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲

نمره ادبیات اختصاصی	زیر صفر	صفر تا ۱۰	۱۱ تا ۲۰	۲۱ تا ۳۰	۳۱ تا ۴۰	۴۱ تا ۵۰	بالای ۵۰
سال ۹۰ (رشته)	۵ ^(۲)	۵۵ ^(۳)	۱۸	۸ ^(۴)	۲	۳ ^(۵)	۰
سال ۹۱ (رشته)	۶ ^(۶)	۶۳ ^(۷)	۲۱ ^(۸)	۴ ^(۹)	۲	۱	۱ ^(۱۰)
سال ۹۲ (رشته)	۷ ^(۱۱)	۵۳ ^(۱۲)	۲۷ ^(۱۳)	۱۰ ^(۱۴)	۱	۲ ^(۱۵)	۰
جمع	۱۸	۱۷۱	۳۹	۱۲	۴	۴	۱

نمودار شماره ۱: مقایسه نمره میانگین فارسی اختصاصی در گروه آزمایشی علوم انسانی
(برحسب درصد) ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲



بیشترین انباشتگی رشته‌ها، در میانگین درس زبان و ادبیات فارسی اختصاصی، در مجموع به نمره‌های صفر تا ۱۰ تعلق دارد (ن.ک: جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۱) و نمایانگر آن است که بیش از نیمی از پذیرفته‌شدگان رشته علوم انسانی، از این درس نمره‌ای بین صفر تا ده (از صد نمره) کسب کرده‌اند و در نهایت و در بهترین حالت فقط به ۳ سؤال از ۳۰ سؤال اختصاصی درس ادبیات در آزمون سراسری سه سال اخیر، پاسخ صحیح داده‌اند.

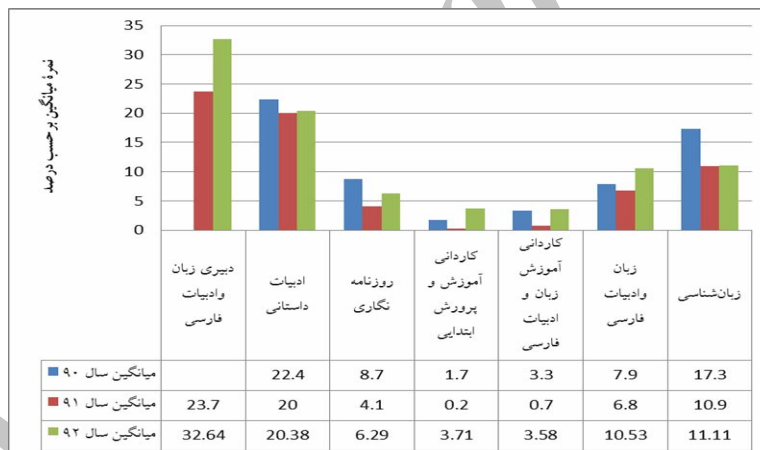
هم‌چنین امتیاز پایین رشته‌هایی جلب نظر می‌کند که درس زبان و ادبیات فارسی، درس بنیادی و اصلی ایشان محسوب می‌شود، مانند رشته‌های «آموزش زبان و ادبیات فارسی»

یا «آموزش و پرورش ابتدایی» درحالی که کمترین انتظار از پذیرفته شدگان این گروه‌ها که جذب ساختار آموزشی کشور - آموزش و پرورش - خواهند شد، این است که به زبان فارسی تسلط داشته باشند و با انتقال دانش و توانایی خود به نسل بعد، در سازندگی هویت ملی ایشان مؤثر باشند، اما نتایج نمرات آزمون سراسری، خلاف این را نشان می‌دهد. تأثیر معلم بر استحکام پایه‌های زبان فارسی به‌ویژه در دوره ابتدایی کاملاً آشکار و پذیرفته شده است و نظام آموزشی و برنامه‌ریزان آموزش نیز هیچ‌گاه از این مسأله فارغ نبوده‌اند. به همین دلیل است که درس زبان و ادبیات فارسی در آزمون سراسری به‌عنوان یکی از دروس عمومی، برای تمامی رشته‌ها ضریب ۴ دارد (۱۶) یعنی در مجموع، ۳۶ درصد کل امتیاز دروس عمومی در اختیار زبان و ادبیات فارسی است. این درصد بیانگر اهمیتی است که برنامه آموزشی کشور - از سطح مدرسه تا دانشگاه - برای درس زبان و ادبیات فارسی قائل شده است. از سوی دیگر سؤالات این درس در آزمون سراسری با توجه به منابع اعلام شده و در حد کتاب‌های درسی، طراحی شده‌اند و عموماً برای پاسخ دادن به آنها مهارت پیچیده‌ای نیاز نیست. با این وجود، نمرات کسب شده پذیرفته شدگان کنکور که در موارد متعددی زیر صفر و منفی است نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان در پاسخ‌دهی به این سؤالات ناتوان بوده‌اند.

۲-۲- بررسی وضعیت رشته‌های مرتبط با ادبیات تخصصی در کنکور سراسری

نمودار شماره ۲، نمرات میانگین درس ادبیات در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و سایر رشته‌های مرتبط را برحسب درصد نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲: میانگین نمره ادبیات تخصصی رشته‌های مرتبط (برحسب درصد)



از مقایسه میان نتایج آزمون پذیرفته‌شدگان سه سال اخیر در رشته‌هایی که با زبان فارسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی ارتباط مستقیم دارد، سه نکته قابل تأمل دریافت می‌شود:

الف) بالا بودن میانگین نمره درس زبان و ادبیات در رشته «دبیری زبان و ادبیات فارسی»

ب) بالا بودن میانگین نمره درس زبان و ادبیات در رشته «ادبیات داستانی»

پ) پایین بودن میانگین نمره درس زبان و ادبیات در رشته‌های «آموزش و پرورش ابتدایی» و «آموزش زبان و ادبیات فارسی»

در مورد اول باید توجه داشته باشیم که رشته دبیری زبان و ادبیات فارسی در این جدول تنها رشته‌ای است که نمودار آن سیر صعودی دارد و از آنجایی که انتخاب داوطلب در وهله نخست تحت تأثیر متغیر نمره قرار می‌گیرد، باید علاقه و جذابیت‌هایی که سبب انتخاب برخی رشته‌ها می‌شود بررسی و تقویت شود. هر چند این مسأله نیاز به بررسی مستقلی دارد، اما درباره این مورد خاص - رشته دبیری زبان و ادبیات فارسی - قطعاً می‌توان اظهارنظر کرد که توجه به آینده شغلی و کار تضمین شده، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر انتخاب داوطلبان این رشته بوده است. همچنین این مقایسه، یکی از نقاط ضعف رشته زبان و ادبیات فارسی را برجسته می‌کند و آن این است که برای دانش‌آموختگان این رشته هیچ ضمانت شغلی مناسبی وجود ندارد. پس حل مشکل کارایی برای دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی، ایجاد شغل و تلاش برای بهبود امنیت شغلی در آینده، سبب می‌شود که داوطلبان کنکور با آگاهی و اطمینان به انتخاب دست بزنند و افراد توانمندتری به این رشته روی بیاورند.

در مورد دوم باید گفت که ایجاد گرایش‌های تخصصی سبب شده که داوطلبان آگاه‌تر به این رشته توجه کنند و آنان که عنوان کلی رشته زبان و ادبیات فارسی برایشان هیچ جذابیتی نداشته است به موضوع و عنوان تخصصی «ادبیات داستانی» علاقه‌مند شوند. استفاده از این روش یعنی تخصصی کردن و ایجاد گرایش‌ها، در بالابردن میانگین نمره پذیرفته‌شدگان مؤثر خواهد بود و بهتر است مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

بخش سوم ارتباط مستقیم با «آموزش» و «هویت ملی» دارد؛ سطح پایین نمره‌های دانشجویان ورودی رشته‌های «آموزش و پرورش ابتدایی» و «آموزش زبان و ادبیات فارسی»، برای نظام آموزشی نتیجه مطلوبی به شمار نمی‌آید. ورود نیروهای ناتوان و کم‌بینه به دانشگاه و تحصیل در رشته‌هایی که عهده‌دار تربیت معلمان و مدرسان است، نتیجه‌ای نخواهد داشت جز سستی و ناکارآمدی ساختار آموزش و پرورش کشور و این امر به‌ویژه برای آموزش و پرورش ابتدایی لطمه جبران‌ناپذیری خواهد بود.

نتیجه‌گیری و تحلیل وضعیت کلی

سؤال نخست مقاله، ارتباط نمره زبان و ادبیات فارسی با رشته دانشگاهی منتخب داوطلبان است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که میان این دو متغیر رابطه معکوس وجود دارد. یعنی بالاترین نمره‌ها، رشته‌هایی را انتخاب کرده‌اند که کمترین ارتباط را با زبان و ادبیات فارسی داشته است و پایین‌ترین نمره‌ها، رشته‌هایی را انتخاب کرده‌اند که توانایی زبان و ادبیات فارسی در آنها اهمیت زیادی دارد مثل «آموزش زبان و ادبیات فارسی» و «آموزش و پرورش ابتدایی».

هم‌چنین بیشترین انباشتگی رشته‌ها، در میانگین درس زبان و ادبیات فارسی عمومی، به نمره‌های ۱۱ تا ۲۰ تعلق دارد (ن.ک: جدول شماره ۲) و نشان‌دهنده این است که بخش عمده‌ای از پذیرفته‌شدگان (شامل ۳۷۲ رشته، معادل یک سوم کل جمعیت پذیرفته شده) فقط به حدود ۲ تا ۵ سؤال از مجموعه ۲۵ سؤال عمومی کنکور در درس زبان و ادبیات فارسی، پاسخ صحیح داده‌اند.

در گروه آزمایشی علوم انسانی وضعیت این میانگین باز هم افت می‌کند و انباشتگی رشته‌ها به میانگین مربوط به نمره‌های صفر تا ۱۰ تعلق می‌یابد که این رقم حدود ۵۳ درصد پذیرفته‌شدگان در گروه علوم انسانی را دربرمی‌گیرد. یعنی بیش از نیمی از پذیرفته‌شدگان در رشته‌های گروه علوم انسانی، توانایی پاسخگویی به ۹۰ درصد سؤالات زبان فارسی را نداشته‌اند. در این بخش، میانگین پاسخ به سؤالات، کمتر از ۲/۵ سؤال (از ۲۵ سؤال عمومی) است. به این ترتیب داوطلبانی که به هیچ سؤالی از این درس پاسخ ندادند، با اکتساب نمره صفر، مجاز به انتخاب رشته از گروه آزمایشی علوم انسانی شده‌اند. سؤال دوم مقاله، به تأثیر انتخاب داوطلبان و رشته قبولی آنها بر هویت ملی ایرانیان می‌پردازد. این مسأله از منظر تأثیری که بر ساختار آموزشی کشور می‌گذارد قابل بررسی است. چنان‌که معلوم است بخشی از دانش‌آموختگان علوم انسانی به‌ویژه در دوره‌های کاردانی مانند آموزش زبان و ادبیات فارسی و آموزش و پرورش ابتدایی به‌عنوان آموزگار و معلم در مقطع ابتدایی جذب آموزش و پرورش می‌شوند. اهمیت هویت‌یابی در گروه سنی کودک و نوجوان سبب خواهد شد که تأثیر آموزش، بر این گروه سنی جلوه آشکارتری بیابد و نقش معلمان ابتدایی برجسته‌تر شود. تقویت بنیادهای هویتی و زبانی علاوه بر عشق و افتخار، نیاز به دانش و آگاهی کافی دارد. هم‌چنین برای حفظ موارد پیشین و افزودن به گنجینه فعلی زبان و ادبیات فارسی، به مطالعات و پژوهش‌های منسجمی نیاز است که با دانش جهانی نیز مرتبط شده باشد. اگر نتایج

آزمون سراسری را فقط به بعد شناختی هویت ملی ایرانیان مرتبط بدانیم و دو بخش ارزشی و احساسی را از این اندازه‌گیری خارج بدانیم، چنین قضاوت خواهیم کرد که میزان آگاهی و دانسته‌های پایه دانش‌آموختگانی که حراست و نگاهبانی از زبان فارسی را رسماً به آنان سپرده‌ایم ناکافی و اندک است و اهداف برنامه‌ریزان را تأمین نمی‌کند.

مطالعه این نتایج که آشکارا نقص ساختار آموزشی کشور در بخش آموزش زبان و ادبیات فارسی را نشان می‌دهد، مجموعه‌ای از سؤال‌های مقدر در اذهان ایجاد می‌کند:

برای دستیابی به این نتیجه؛ «میانگین نمره‌ای که با پاسخ‌دهی به «صفر» سؤال درسی به دست آید»، آیا نیاز به این همه تلاش و دستگاه عریض و طویل آموزشی بوده است؟ آیا تمامی متولیان امر آموزش کشور همراه با جمعیت فراوان دانش‌آموزان و خانواده‌های ایشان ۱۲ سال تلاش می‌کنند که نتایج چنین عاید شود؟ فایده گنجاندن درس زبان و ادبیات فارسی در آزمون سراسری و هزینه بالایی که صرف آن می‌شود چیست؟ اصولاً فلسفه وجودی این درس و فواید آن در خدمت چیست یا کیست؟ زبان و ادبیات یک ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ و شکل‌گیری و انتقال فرهنگ به شمار می‌آید. آیا این نتایج با شأن و جایگاه ارزشی زبان فارسی به‌عنوان یکی از نمادهای اصلی و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، تناسب دارد؟

بخشی از اشکال‌ها و ایرادها به نهاد رسمی آموزش و پرورش کشور بازمی‌گردد که در فرصت ۱۲ ساله‌ای که در اختیار داشته است از اوقات دانش‌آموزان در کلاس‌های درسی نتوانسته استفاده کند، اما بخش دیگر ساختار کنکور سراسری و نحوه برگزاری آن را زیر سؤال خواهد برد. ظاهراً مهم‌ترین هدف برگزارکنندگان کنکور تشخیص توانایی علمی شرکت‌کنندگان و انتخاب مناسب‌ترین افراد به لحاظ علمی برای جذب در رشته‌های دانشگاهی ایران است، اما به نظر می‌رسد میان اهداف برگزارکنندگان کنکور با اهداف شرکت‌کنندگان تفاوت‌هایی وجود دارد و با توجه به این‌که آسیب‌شناسی و بررسی‌ای در این باره انجام نشده، با رشد جمعیت و افزایش رقابت برای ورود به دانشگاه‌ها، مهار و کنترل آن از عهده نهادهای سیاست‌گذار خارج شده و نتایج حاصل، با سیاست‌های اولیه در برخی موارد مغایر است.

هم‌چنین تحقیقات پیشین، چنان‌که اشاره شد توجه برنامه‌ریزان را به شأن زبان فارسی به‌عنوان یک از نمادهای هویتی جلب می‌کند، اما نتایج مطالعه حاضر که داده‌های آن براساس نتایج یکی از استانداردترین آزمون‌های داخلی، جمع‌آوری شده است نشان می‌دهد که در عمل نه تنها به شأن زبان فارسی اهمیتی داده نشده؛ بلکه

دستاوردهای ساختار رسمی آموزشی کشور در جهت خلاف انتظار و توصیه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بوده است.

بر این اساس نیاز به بررسی ساختار فعلی آموزشی «درس زبان و ادبیات فارسی» و تحول در شیوه نگرش، ساختار و برنامه‌ریزی‌های آینده آن کاملاً آشکار است.

پیشنهادها

در حال حاضر به نظر می‌رسد پیشنهادهای زیر، راه‌حلهایی برای بهبود فوری این وضعیت است و جز پیشنهادهای شماره ۷ و ۸ که به زمان و برنامه‌ریزی بیشتری نیاز دارد، سایر موارد به سرعت قابل پیگیری و اجراست:

۱- تعیین نمره حداقل برای درس زبان و ادبیات فارسی؛ تصویب قانون حداقل نمره برای مجازشدن به انتخاب رشته در تمامی گروه‌های آزمون سراسری امری است که می‌تواند تا حدی شأن از دست رفته زبان فارسی را بازگرداند. این میزان توافقی است اما با توجه به نتایج، پیشنهاد ما این است که نمره کمتر از ۲۰ (از ۱۰۰) اصلاً مجاز به انتخاب رشته نشود و بین ۲۰ تا ۵۰، به گذراندن واحدهای پیش‌نیاز در دوره تحصیل ملزم باشد. پیش از این نیز برای درس زبان انگلیسی، حد مجازی تعیین شده و پذیرفته‌شدگان در صورت نرسیدن به این حد مؤظفند در دانشگاه واحدهایی را به‌عنوان پیش‌نیاز بگذرانند.

۲- تعیین حداقل نمره درس زبان و ادبیات فارسی برای ورود به تمامی رشته‌هایی که مستقیماً با آموزش ارتباط دارد مانند رشته‌های تربیت دبیری و آموزش و پرورش ابتدایی.

۳- مجاز شدن داوطلبان در همه گروه‌های آزمایشی برای انتخاب رشته زبان و ادبیات فارسی؛ بررسی نتایج آزمون سه ساله اخیر نشان داد که نمره درس زبان و ادبیات فارسی داوطلبان گروه علوم انسانی از سایر گروه‌ها کمتر است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود داوطلبان سایر گروه‌های آزمایشی نیز امکان انتخاب رشته زبان و ادبیات فارسی با رعایت حدود و شرایط لازم را داشته باشند. همچنان‌که در برخی رشته‌ها از جمله زبان و ادبیات عرب، این اتفاق افتاده و به‌عنوان رشته‌های شناور تمامی شرکت‌کنندگان مجاز به انتخاب آنها هستند.

۴- تخصصی کردن رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه از طریق ایجاد و گسترش گرایش‌های تخصصی و مطالعات میان‌رشته‌ای برای افزایش رغبت به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی براساس آنچه قبلاً اشاره شد.

- ۵- ارتقای سطح پذیرفته‌شدگان رشته زبان و ادبیات فارسی از کارشناسی به کارشناسی ارشد یا دکتری پیوسته برای ایجاد جاذبه و افزایش رقابت در ورود به رشته زبان و ادبیات فارسی براساس آنچه قبلاً اشاره شد.
- ۶- افزایش واحد درس عمومی زبان و ادبیات فارسی در دوره کارشناسی از ۳ واحد به ۶ واحد (۳ واحد زبان فارسی و ۳ واحد ادبیات فارسی) برای تقویت زبان و ادبیات فارسی.
- ۷- رسیدگی به وضعیت شغلی و آماده‌سازی بسترهای مناسب برای جذب تحصیل‌کردگان رشته زبان و ادبیات فارسی در مشاغلی که علاوه بر هماهنگ بودن با توانایی‌های حرفه‌ای آنان، درآمدزایی مناسبی داشته باشد.
- ۸- در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱: ۹ و ۲۴) توجه به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از عناصر تقویت‌کننده هویت ملی، مورد تأکید قرار گرفته است، بنابراین وزارت آموزش و پرورش می‌تواند وضعیت نابسامان آموزش زبان و ادبیات فارسی را همگام با اجرایی کردن سند، ساماندهی کند. به‌طور مثال استعدادیابی و جذب دانش‌آموزان برتر برای ورود بدون کنکور به دانشگاه فرهنگیان در رشته‌های مرتبط با زبان و ادبیات فارسی، می‌تواند به ارتقای سطح علمی نسل آینده معلمان زبان و ادبیات فارسی کمک شایان توجهی کند.

یادداشت‌ها

- ۱- براساس آمار سازمان سنجش، میانگین نمره درس زبان و ادبیات فارسی اختصاصی سال ۱۳۹۱ در رشته کاردانی آموزش و پرورش ابتدایی ۰/۲ درصد و در رشته کاردانی آموزش زبان و ادبیات فارسی ۰/۷ درصد بوده است.
- ۲- کاردانی علمی کاربردی روابط کار (۰/۴-)، کاردانی باستان‌شناسی (۱/۵-)، معارف قرآن کریم (۱/۹-)، کاردانی علمی کاربردی خدمات پرواز (۲/۲-)، کاردانی علمی کاربردی اقتصاد (۲/۳-).
- ۳- کاردانی آموزش و پرورش ابتدایی (۱/۷)، کاردانی آموزش زبان و ادبیات فارسی (۳/۳)، زبان و ادبیات فارسی (۷/۹)، روزنامه‌نگاری (۸/۷).
- ۴- ادبیات داستانی (۲۲/۴)
- ۵- علوم قضایی (۴۹/۹)، معارف اسلامی و حقوق (۴۲/۵)، مدیریت بیمه اکو (۴۳/۰).
- ۶- کاردانی مدیریت صنعتی کاربردی (۰/۲-)، کاردانی امور بانکی (۰/۳-)، کاردانی مدیریت گمرکی (۰/۷-)، کاردانی علمی کاربردی کتابداری و اطلاع‌رسانی (۲/۵-)، کاردانی علمی کاربردی اقتصاد کار و بهره‌وری (۳/۳-)، کاردانی علمی کاربردی اشتغال (۷/۶-).
- ۷- کاردانی آموزش و پرورش ابتدایی (۰/۲)، کاردانی آموزش زبان و ادبیات فارسی (۰/۷)، روزنامه‌نگاری (۴/۱)، زبان و ادبیات فارسی (۶/۸)، زبان‌شناسی (۱۰/۹).
- ۸- ادبیات داستانی (۲۰/۰).

- ۹- دبیری زبان و ادبیات فارسی (۲۳/۷).
- ۱۰- معارف اسلامی و حقوق (۵۱/۳).
- ۱۱- شیعه‌شناسی (۱۷/۰۹-)، علوم حدیث (۳/۸۳-)، علوم و معارف قرآن (۲/۱۱-)، کاردانی تربیت معلم قرآن مجید (۰/۱۶-)، کاردانی علمی - کاربردی اشتغال (۲/۲۰-)، معارف اسلامی (۲/۹۵-)، معارف اسلامی و علوم تربیتی (۵/۵۹-).
- ۱۲- روزنامه‌نگاری (۶/۲۹)، زبان و ادبیات فارسی (۱۰/۵۳)، کاردانی آموزش زبان و ادبیات فارسی (۳/۵۸)، کاردانی آموزش و پرورش ابتدایی (۳/۷۱).
- ۱۳- ادبیات داستانی (۲۰/۳۸)، زبان‌شناسی (۱۱/۱۱).
- ۱۴- دبیری زبان و ادبیات فارسی (۳۰/۶۳).
- ۱۵- علوم قضایی (۴۶/۳۱)، مدیریت بیمه اکو (۴۴/۱۷).
- ۱۶- سایر دروس عمومی ضرایب پایین‌تری دارند؛ فرهنگ و معارف اسلامی (ضریب ۳)، زبان عربی (ضریب ۲)، زبان انگلیسی (ضریب ۲).

منابع

- آمار ارسالی ۳ سازمان سنجش به فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۹۱/۱۲/۱۲)؛ نامه شماره ۸۳۶۸۵.
- آمار ارسالی ۲ سازمان سنجش به فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۹۲/۱۰/۲۱)؛ نامه شماره ۷۳۰۸۵.
- آمار ارسالی ۱ سازمان سنجش به فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۹۲/۱۰/۱۱)؛ نامه شماره ۷۲۳۹۸.
- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷)؛ «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۴، صص ۱-۲۲.
- خدایار، ابراهیم و فتحی، اعظم (۱۳۸۷)؛ «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: دوره متوسطه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۳، صص ۵۲-۲۷.
- داوری‌اردکانی، نگار (۱۳۸۶)؛ «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۲، صص ۲۶-۳.
- دفترچه شماره ۱ سازمان سنجش (۱۳۹۲)؛ راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون سراسری.
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، *سند برنامه درسی ملی*.
- صالحی‌عمران، ابراهیم و عابدینی بلترک، میمنت و کنطورچی، حلیمه (۱۳۹۲)؛ «بررسی دیدگاه مدیران دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه درباره هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۴، ش ۳، صص ۵۰-۲۵.
- سرفراز، حسین (۱۳۸۷)؛ *در تعریف فرهنگ ایرانی*، تهران: آگاه.
- عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰)؛ *تأثیر اینترنت بر هویت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع الکترونیکی

- توکلی، حسین (۹۲/۹/۱۸، زمان بازدید)؛ مصاحبه در تاریخ ۹۰/۳/۱۶
<http://www.khabaronline.ir/news-157467.aspx>
- سازمان سنجش (۹۲/۹/۱۸، زمان بازدید)؛ معرفی سازمان سنجش آموزش کشور
<http://www.sanjesh.org/aboutus.aspx>